



آثار باستانی و ارزش های تاریخی

تات ها چه کسانی بودند؟

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۴ ۱۹ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

انسانها در طول تاریخ گاه بی آب و خوراک و بی سر پناه زیسته اند ولی هیچ انسان بافرهنگی هرگز حتی یکروز بدون ادبیات زندگی نکرده است منظور از ادبیات به معنی گسترده آن است. یعنی همه آنچه که در حوزه علوم انسانی قرار می گیرد اعم از آنچه کتبی و شفاهی است می باشد و فرهنگ مقدم بر آن، اما منظور از انسان با فرهنگ به معنی متعارف آن یعنی باسوادان و تحصیل کرده ها نمی باشند، زیرا نخستین انسانهایی که گرد هم آمدند و سخن را آغازکردند و به تامل و تفکر درباره اشیاء و پدیده های پیرامون خود پرداختند برخوردار از فر



انسانها در طول تاریخ گاه بی آب و خوراک و بی سر پناه زیسته اند ولی هیچ انسان بافرهنگی هرگز حتی یکروز بدون ادبیات زندگی نکرده است منظور از ادبیات به معنی گسترده آن است. یعنی همه آنچه که در حوزه علوم انسانی قرار می گیرد اعم از آنچه کتبی و شفاهی است می باشد و فرهنگ مقدم بر آن، اما منظور از انسان با فرهنگ به معنی متعارف آن یعنی باسوادان و تحصیل کرده ها نمی باشند، زیرا نخستین انسانهایی که گرد هم آمدند و سخن را آغاز کردند و به تامل و تفکر درباره اشیاء و پدیده های پیرامون خود پرداختند برخوردار از فرهنگ بوده اند و نطفه ادبیات نیز از واکنش های فکری و ذوقی بسیار ساده و ابتدائی آنها، از همان زمان بسته شد و به صورت رشته روابط ، و آینه درک خویشتن مادی آنان ، با جهان گسترده مه آلود زندگی گردید. از این رو هیچ قومی یا طایفه ای را نمی توان یافت که نشود برایشان ادبیات و یا تاریخچه ای خاص ادبیات قایل شد، ممکن است ادبیات یک قوم مکتوب و در مرحله ای از پیشرفت باشد و ادبیات قومی دیگر ساده و شفاهی و یا در آغاز مرحله ورود به حوزه خاص و کتابت باشد.

تاتها نیز اقوامی ایرانی هستند که با وجود داشتن تاریخ و فرهنگ چند هزار ساله ادبیات شفاهی و بسیار غنی برخوردارند ولی تاریخچه ادبیات مکتوبشان بسیار جوان و ادبیات منظوم خاص آنها مدت نسبتاً کوتاهی است که به منصفه ظهور رسیده است.

حوزه ادبیات تات با در نظر گرفتن اشعار پراکنده، صده هشتم هجری قمری می باشد که بر جای مانده است و دارای سابقه طولانی است . اما تاریخ آغاز جدید آن به دوره پس از وقوع انقلاب ۱۹۱۷ روسیه میرسد . که اشعار و نمایشنامه های م. بخشی اف متولد ۱۹۱۰ و اشعار و داستانهای ده آنتی لوف متولد ۱۹۱۳ گواه این موضوع است تا جایی که نگارنده ادعا دارد به جز قوم کرد که از این بابت وضعیت خاصی دارد دیگر اقوام گوشه و کنارمیهن ما نیز وضعیتی همانند تاتها دارند از جمله علل آن نیز این است که از صده پنجم تا اواسط صده چهاردهم هجری قمری به مدت یک هزار سال سلاله های ترک و یا ایرانیانترک شده ای مانند صفویان در ایران فرمانروایی کرده اند و همه اینها چه آندسته که درباره آنها تکیه گاه فرهنگ و مدنیت ایرانی شده و چه آن دسته که به این مقوله عنایتی ننموده و به نشر زبان خود به طرق مختلف همت گماشته اند، همگی در کوثر ایران و ایرانیت تحلیل رفته اند و آنچه

مانده و در جامعه ایرانی ریشه دوانده و سایه گسترده زبان ترکی است.

ورود سلاله های ترک به ایران و حکومت آنها در این کشور، همیشه همراه با مهاجرت گروه انبوهی از تیره ها و طوایف ترک زبان بوده، این گروه ها که اغلب در نیمه شمالی ایران اسکان می یافتند. به لحاظ برخورداری از برتری سیاسی و حقوق اجتماعی ویژه و همچنین داشتن تعصب قومی مردمان بومی، به زبان آنان سخن نمی گفتند این امر بطور کلی یک تقابل و رویارویی زبانی بین ملت ایران با ملتی بیگانه بود در این رویارویی، زبان فارسی به لحاظ بهره مندی از یک پشتوانه سترگ و تاثیر گذار علمی و ادبی به هیچ وجه میدان را برای رقیب خالی نمی کرد. ولی زبانها و گویش های هم خانواده آن که از چنان پشتوانه و غنای علمی و ادبی بی بهره بودند و همانند تاتی دایم در تماس و جوشش با ترک زبانان بودند به شدت آسیب دیده و در مقابل زبان بیگانه تدریجاً خانه به خانه از شهری به شهر دیگر، پیوسته گام به عقب برداشتند.

در دوره اسلامی از زمانی که نخستین سنگ بنای ادبیات فارسی گذاشته شد تا امروز، زبان فارسی زبان اکثریت مردم این کشور شاید نبود، ولی زبان رسمی و مظهر ملیت و وحدت ایرانیان بوده و تنها ما با این زبان، اقوام و طوایف پراکنده در ایران بزرگ توانسته ایم با هم تفهیم و تفاهم نماییم.

در حال حاضر در ایران سه زبان وجود دارد که به عنوان زبان شناخته شده اند فارسی، ترکی و عربی است. زیرا بر اثر بروز ظهور لهجه های گوناگون و شاخه شاخه شدنهایست که از پارسی کهن گویش های مختلفی همچون لری، بلوچی، کردی، گیلکی، تاتی، تالشی و زاییده شده و مجدداً از هر یک از آنها لهجه های گوناگون دیگری پدید آمده و می آید که در دراز مدت بطور کلی از اصل خود فاصله گرفته و تاثیر پذیر شده اند و خود تبدیل شده اند به معجونی از کلمات عربی، ترکی، انگلیسی و ... که به مرور زمان به نابودی می گرایند، که عواملی همچون مرور زمان، نبود زبان ادبی، شرایط جغرافیا، روابط با متکلمان زبانهای دیگر، نیازهای جدید لغوی رسانه های جمعی از جمله تاثیر گذارانی هستند که بر ساختار و کیفیت زبان اثر گذاشته و در آن موجب تغییرات می شوند این تغییرات تدریجاً منجر به تعدد لهجه می شود.

لهجه ها همانند گسیختگی ها در یک سطح شناور از هم فاصله گرفته و به لکه ها و یا جزایر کوچک که با هم همگونی ماهوی دارند تبدیل می شوند و سپس به تدریج تحلیل می روند یا جای خود را به زبان نیرومند دیگری می دهند.

تات نامی است که به بخش گسترده ای از جامعه ایران بزرگ اطلاق شده است تاتها نه یک قومند و نه یک طایفه و نه یک ایل، بلکه جماعات مختلفی از ایرانی اند که اطلس پراکندگی آنها از داغستان تا شیروان و آذربایجان، قزوین، زنجان، سمنان، خراسان، بجنورد و برخی از روستاهای خط مرزی ترکمنستان را در بر گرفته است.

زبانی که جماعات موسوم به تات به آن سخن می گویند آنچنان متنوع و متفاوت از هم است که با وجود ایرانی بودن و وجود اشتراک فراوانی که با هم پیدا می کنند بعنوان لهجه های مرتبط بهم در یک زبان واحد قرار نمی گیرند. بطورمثال لهجه ای که تاتهای بخش جرجان از توابع بجنورد و برخی روستاهای مرزی ترکمنستان به آن سخن می گویند با لهجه های تات های تاکستان و بلوک زهرا و رامند از یک طرف و یا تاتی اطراف مرند و خلخال و زنجان

از طرف دیگر و همه اینها با تاتی قفقاز همانقدر متفاوت است که هر یک از این ها، آن تفاوت را با فارسی و گیلکی و کردی دارند از این رو نام تات با منشاء قومی و زبانی این بخش یا جامعه ایرانی ارتباط ندارد و بی تردید در گذشته های دور، در تمام ایران باستان نامهای دیگری داشته و از ترکیب قومی و زبانی مختلف قرار داشته اند .

لذا اینکه بررسی تاریخی واژه تات به چند جهت دارای اهمیت است :

۱- بیانگر معنای متفاوت تات در ادوار تاریخی گوناگون است .

۲- سیر تاریخی پیشرفت زبان ترکی از غرب به شرق، بویژه در زمان صفویه و بعد از آن نشان می دهد .

۳- مشخص می کند که زبان تاتی کنونی با لهجه های متفاوت، زبان مشترک ایالت آذربایجان و ایران بوده است .

۴- بیانگر زیر بنای مشترک زبانهای ایرانی در قلمرو ایران بزرگ است که بقایای جزیره های زبان تاتی آذربایجان و زنجان و مناطق غرب، گواه آن است .

۵- به معرفی تاریخی یکی از اصیل ترین زبانهای ایران می پردازد و علاوه بر معرفی زبان تاتی، به معرفی مردمی می پردازد که به این زبان سخن می گویند .

لذا اینکه واژه «تات» از دو منشاء زبانی به ما رسیده است : یکی زبان فارسی باستان و دیگر زبان ترکی . تات در زبان باستان به صورت پسوند استفاده می شده است، اما تات در زبات ترکی به معنی خارجی یا بیگانه می باشد . پس از حضور ترکان در سرزمین های شرق ایران، به ایرانیان تحت سلطه ترک ها تات گفتند اگر چه با تسلط بیشتر ترک ها تات معنی وسعیتری به خود گرفت . تا اینکه در دوره اقتدار ترک ها در ایران، معادل ایرانیان شد . اما مردم ایران با استعداد فرهنگی و پیشینه تاریخی ای که داشتند معنی تات را از مفهوم بیگانه و خارجی به معنی ایرانی و اهل قلم تغییر دادند بطوریکه در دوره صفویه، جامعه ایران به دو گروه اهل شمشیر (ترک ها) و اهل قلم (تاتها و تاجیک) تقسیم شده بود.

اگر چه تات و تاجیک و هیئت های متفاوت آن در مورد ایرانیان بکار می رفت، ولی نمی توان گفت که معنی تات و تاجیک کاملاً برابر بوده است . زیرا معنایی که فرهنگ و لغت های ترکی و مفاهیمی که سفرنامه نویسان اروپایی از این دو واژه داده اند و همچنین سکوت فارسی نویسان ایرانی، در مورد استفاده از واژه تات جملگی شواهد و دلایلی هستند که اندکی تفاوت در معنی و مفهوم این دو واژه را نشان می دهند و احتمالاً واژه تات نسبت به تاجیک از نظر معنی و مفهوم منفی تر بوده است و به همین جهت است که در متون گذشته فارسی، فقط در پنج مورد از واژه تات استفاده نموده اند . و بطور یقین دو مورد آن نیز بخاطر ضرورت شعری بوده است . ولی واژه تاجیک را بطور متعدد و در متون گوناگون فارسی می توان دید .

به هر حال با سقوط صفویه و به مرور زمان، این مرزبندی جامعه ایران - تات ها (تاجیک ها) و ترک ها - از بین رفت و زبان مردم هر منطقه را نیز بنام همان ایالت یا منطقه نامیدند مانند : لری، گیلکی، تالشی، مازندرانی، کردی، مشهدی و.... در حالی که زبان شهرهای بزرگ شمال غرب ایران به ترکی تغییر یافته بود (البته این تغییر زبان

بصورت تدریجی و از زمان سلجوقیان تا پایان حکومت صفویه انجام گرفته است) اما نیم زبانهای شمال غرب ایران که در روستاها و آبادی های پراکنده متداول بود، به نام زبان تاتی در بعضی مناطق به نام همان روستاها - مثل هرزنی و... خوانده شدند - نویسندگان تاریخ ماد در مورد این زبان چنین می نویسند: تاتی مانند تالشی و مازندرانی و گیلکی از بقایای زبان هنداروپایی است که در ابتدا، زبان ماد شرقی بوده است و با اینکه در لهجه های مزبور از لحاظ منشاء لغوی سهم فارسی فوق العاده زیاد است. ولی این زبان کاملاً مبنا و مایه مادی خود را حفظ کرده است. در این شصت سال اخیر در ایران نیز پژوهش هایی برای شناساندن این زبانهای ایرانی انجام گرفته است و احمد کسروی اولین کسی بود که در این زمینه اقدام نمود. او این نیم زبانهای پراکنده شمال غربی ایران را «آذری» خواند و دیگران نیز بنام های تاتی، هرزنی، مادی، تالشی، کردی و... از آن یاد کرده اند.

بنابر این «تات» واژه ای است ترکی، که در ابتدا به مردم غیر ترک در مناطق ترک نشین گفته می شد، سپس به تمام ایرانیان اطلاق شد. اکنون نیز به بقایای نیم زبان های غربی ایران عمدتاً «تاتی» و به مردمی که به این زبان سخن می گویند «تات» می نامند.

درجای دیگر پیترودلواله، قشون شاه عباس را چنین توصیف می کند:

قشون ایران مرکب از چهار دسته است که به ترتیب اهمیت از پایین ترین آنها یعنی تفنگچیان که شاه چندی پیش به توصیه آنتونی شرلی انگلیسی به تشکیل آن همت گماشت، شروع می کنم.

تفنگچیان از نژاد اصیل ایرانی هستند که مسکن و ماوای آنها در شهرها و دهات است، و چون در تمام سال حقوق می گیرند مجبورند هروقت به وجود آنها احتیاج باشد فوراً به خدمت حاضر شوند. نجیب زادگان یعنی قزلباش ها وارد این دسته نمی شوند. درحقیقت افراد آن را فقط رعیت ها تشکیل می دهند. به رعیت لفظ «تات» نیز اطلاق می شود. در فارسی وقتی تات می گویند منظور این است که طرف از طبقه نجبا (قزلباش) نیست. ولی در حقیقت آنان اصیل تر از قزلباشها هستند، زیرا دسته اخیرالذکر فقط از زمان شاه اسماعیل صوفی به بعد خود را به زور اسلحه تحمیل کرده اند و درحالی که تات ها ایرانی الاصل هستند و ساکنین واقعی این سرزمین را تشکیل می دهند، و خیلی از بزرگان و ثروتمندان و بعضی میرزاها و بطور کلی کسانی که به دلایلی جزء سپاهیان منظم نیستند و یا مشاغل دباری و دولتی ندارند در طبقه بندی از «تات ها» محسوب می شوند. تفنگچیان نیز جزو همین طبقه «تات» هستند و معمولاً از آبادیها و دهات آمده اند.

درمیان تفنگچیان، مازندرانی ها خود را ممتاز و مشخص ساخته اند و آنان بودند که دوسال پیش در ارمنستان برخلاف میل شاه از قلعه ایروان دفاع کردند و محمد پاشا سردار ترک را که با دویست و حتی سیصد هزار نفر حمله کرده بود بعد از چند روز جنگ و ستیز شکست دادند. عده تفنگچیان قوای ایران فعلاً قریب بیست هزار نفر است و چون آنان از «تاتها» هستند تاج قزلباش بر سر ندارند و عمامه ای ساده می بندند.

پیترودلواله درجای دیگر می نویسد:

امروز اتکای او (شاه عباس) به تفنگچیان تات و مخصوصاً غلامانی است که روز به روز بر قدرشان اضافه می شود و

به مقام های بلند گماشته می شوند... شاه تقریباً تمام وزراء و منشیان و سایر صاحب منصبان را از میان «تات ها» انتخاب می کند و مشاغل نظامی را در دست غلامان یا فرزندان آنها متمرکز کرده است (ص ۳۵۰).

و دیگر اینکه انگلبرت کمپفر هم در فصل یازدهم سفرنامه خود نوشته است: « زبان رایج دربار ایران ترکی است که زبان مادری سلسله صفویه است و این زبان با زبان مردم عادی مملکت تفاوت دارد. »

درمبحث «قشون ایران و فرمانده آن» چنین می نگارد:

... این کلاه خاص صوفیان صفوی باعث شد که آنها از طرف ترک ها « قزلباش» نامیده شوند، یعنی کسانی که سر سرخ دارند. درست است که ترک ها با بکاربردن این لفظ دشنامی رادر نظر داشتند اما قزلباش ها این نام را مایه افتخار دانستند. بدین ترتیب قزلباش ها سخت برخود می بالند و به مردم بومی این سرزمین که آنها را تاجیک یا تازیک و یا بطور کلی « تات» می نامند به دیده تحقیر می نگرند.

تفنگچیان، تفنگچی لر آقاسی (فرمانده تفنگچیان) که ب قوایی مرکب از دهقانان و پیشه وران ایران فرماندهی دارد، در قشون ایران دارای رتبه سوم است.

و اما در روایتی دیگر از سفرنامه سانسون چنین آمده است:

این کلاه (تاج) بسیار مورد احترام همه می باشد زیرا می گویند که این کلاه به دوازده امام اختصاص دارد. تمام خانها و قزلباش ها در روز های سلام و تشریفات این کلاه را بر سر می گذارند.

ولی « تاتها» که کشوری هستند نمی توانند این کلاه را بر سر بگذارند. همچنین اعتمادالدوله فعلی نیز که از خوانین لشگری نیست این کلاه را بر سر نمی گذارند.

تات ها بومی های محلی ایران هستند و قزلباشها که به معنی « طلا سران» یا سرخ کلاهان سران می باشند لشگری هستند. قزلباش ها از سلسله غلامان می باشند

یعنی در اصل غلام بوده اند یا از ملت هایی هستند که به ایران پناهنده شده اند. بسیاری از قزلباشها از دمشق وهنگری به ایران آمده اند. قابل ذکر است که شاهسونها و سایر ایلات ترک زبان آذربایجان، شهرنشینان و روستاییان را « تات» می نامند.

غلامحسین ساعدی می نویسد:

...شهرنشین ها یا به قول شاهسون ها « تات ها» که جز خوردن و خوابیدن و اندوختن کاری نداشتند... (خیاو- ص ۷۷)... شعر بسیار معروفی که یک شاعر گمنام اهل قره درویش به اسم غفار سالها پیش سروده، مناظره ای است بین شاهسون و تات، که تات شاهسون را به اسکان و آسایش در شهر و خانه دعوت می کند و شاهسون از نعمت و برکت و لذت چادرنشینی دفاع می کند و شهرنشینی را نمی پسندد. تات ددی ای شاهسون گل بو کوچماقدان اوتان - استراحت اوتور میندار سواچماقدان اوتان (یعنی تات گفت ای شاهسون بیا واز کوچ

بگذر - بیاو ساکن شو و از خوردن آب آلوده راحت باش .

در این منظره تات و شاهسون ، دونکته بنیادی جلب نظر می کند ، نخست تات نام کردن شهری وروستایی ، از جانب شاهسون است . این اصطلاح همان معنی ومفهوم هفتصد سال پیش را به یاد می آورد که ابوحیان اندلسی در کتاب « الادراک للسان الاتراک » و مولف « تحفه الزکیه فی اللغة التركیه » واژه «طیت» و «طاط» را شهرنشین و کشاورز معنی کرده اند . دوم ، پرهیز چادر نشینان به ویژه ترکان از شهرنشینی است که این خود از اختلافات لهجه ترک و تات و ناهماهنگی شهری و روستایی خبر می دهد ، و ضرب المثل معروف ترکی رابه یاد می آورد که می گوید : « تورکه شهرایچی زندان گلیر» یعنی داخل شهر برای ترک به زندان می ماند.

از مثل و منظره که بگذریم و به ابزار آلات کشاورزان آذربایجانی امروزی به دقت نظر افکنیم ، می بینیم که در همه این ابزارآلات ، آنان از واژه ها و اسامی گذشته یعنی « تات = فارسی زبانان » هستند همانند : کدخدا ، وریار ، رشب(رنجبر) ، باغبان ، میرآو، چوپان، چودار، پادار، رمی، شخم ، تخم، گاوآهن ، جوت (جفت) ، خرمن، خرمنگاه، شنه (شانه) ، جرجر ، جوال ، باغ ، باغچه ، میشه (بیشه) بستان ، بیل ، بیلچه ، دن آو، خاک آو ، شورآو، کوشن ، ورزن ، چمن ، سنبل و...

جلال آل احمد هم می نویسد: گرچه دهات دیگر بلوک زهرا (که اغلب در آنها بوده ام و مطالعات کلی کرده ام) مردم به ترکی حرف می زنند ولی مثلاً در « خوتان » و « ماشگین » و « چیسگین » ادوات زراعت و کشاورزی و اصلاحات خاص آن هنوز به زبان « تاتی » است . (ص ۱۹).

بهرحال تات ها یک تیره ایرانی هستند که عمدتاً در کناره های غربی دریای خزر و آذربایجان شرقی زندگی می کنند، زبانی و گویشی که تات ها بدان سخن می گویند در زمانهای دیرین گسترش بسیاری داشته است، شواهد عینی و پژوهش هایی که انجام گرفته است نشان می دهد زمانی همه مردم آذربایجان، قزوین و طارمات را در بر می گرفته، همانطور که گفته شد بعدها با اشاعه زبان ترکی، تاتی کم کم از میان برداشته شد و تنها ساکنین چندین آبادی در جای جای این سرزمین کهن و کشور پهناور این زبان را نگهداری و تا به امروز حفظ نموده اند .

از شمار تات های کنونی آمار دقیقی در دست نیست ولی امروزه بصورت جزیره های کوچک در جاهای مختلف کشور بزرگ ایران سکونت دارند از جمله در استان زنجان و شاهرودخلخال چندین آبادی در رودبار گیلان ، شال ، اسفرورین و آبادی های دیگری در قزوین و تاکستان ، هرزند و کرینگان و گلین قیه درمرند و زنور و حسنو در قره داغ و چند روستا در بجنورد و توده های زیادی به شکل پراکنده در کرج، شهرقدس، اسلامشهر و دیگر شهرهای ایران و همچنین بخشی از ساکنان شبه جزیره آبشوران، سوراخانی، بالاخانی، باکو، نواحی شماخی و کربا و قوناخ کند و دیوچی و خزی و دیگر بخش های آذربایجان شوروی سابق و همچنین ناحیه دربند و برخی دیگر از نواحی داغستان و کایتاکو و طبسران در شوروی سابق نیز تات نشین هستند.

بنابه آمار مندرج به سال ۱۳۶۲ هجری شمسی در شوروی سابق عده تات ها در آن کشور قریب به یازده هزار نفر بوده است . و این درحالی است که در ایران به مراتب بیشتر بوده اند زیرا تنها در آبادیهای اسبو، اسکستان، درو، کلور، شال، دیز، لرد ، کرن ، و گیلوان و شاهرود خلخال بدون در نظر گرفتن سایر نقاط تات نشین ها قریب به

چهل هزار نفر به زبان تاتی در سال ۱۳۵۳ هجری شمسی سخن می گفتند.

شایان ذکر است پژوهشگران ایرانی تاکنون فرصت اندکی را صرف پرداختن به زبان و فرهنگ مردم تات نموده اند. احمد کسروی ضمن پژوهشی مفصل درباره آذری، زبان آذربایجانی ها در روزگار پیش از استیلای اقوام ترک، تاتی امروزی را بعنوان واپسین یادگار آن زبان بروشنی شناسانده و می نویسد:

« آذری به یک باره از آذربایجان ناپدید نگشته است و هنوز درچندین نقطه میان خود بومیان به آن زبان سخن گفته می شود و آنچه ما می دانیم یکی از آن جاها هرزند و گلین قیه از پیرامون مرند و دیگری زنور و حسنو در قره داغ و خلخال است... چنانکه شنیده ایم در لیقوان و آن پیرامون تا شصت - هفتاد سال پیش آن را می شناخته اند و درباره خاندانها گفتگو می شده ، ولی سپس ناپدید گردیده».

از نظر آثار مرجع، دست و بال ما چندان باز نمی باشد ولی کتاب هایی همچون آذری ها یا زبان باستان آذربایجان تالیف احمد کسروی، گویش آذری تالیف انارجانی، هرزند و کرینگان خلخال یک لهجه ی آذری، تالیف عبدالعلی کارنگ، زبان دیرین آذربایجان تالیف منوچهر مرتضوی و چند مقاله کوتاه از احسان یار شاطر ، و آثاری از یحیی ذکاء و رحیم ملک زاده می باشد که جهت آشنایی با تات ها و زبان تاتی می شود به آنها مراجعه نمود، ولی در کشور شوروی کارهای چشمگیری درباره زبان و فرهنگ تاتی انجام پذیرفته، چنانکه حتی تاتی زبانهای آن کشور برای خود خط و کتابت و یژه ای داشته و دارند در ظرف چهل پنجاه سال اخیر کتب و تالیفات بالنسبه فراوانی به زبان تاتی منتشر شده، من باب مثال می توان به اشعار و نمایشنامه های م- بخشی اف متولد ۱۹۱۰، اشعار و داستانهای د-آنتی لوف متولد ۱۹۱۳ و افسانه های خ- داداش اف را نام برد . در سال ۱۹۴۰ مجموعه ای از فرهنگ عامه تاتی چاپ و منتشر شده است. از پیشینه تاریخی و سیر تکوینی تاتی هنوز آگهی چندان در دست نیست. احمد کسروی در کتاب آذری یا زبان باستان آذربایجان ، زبان مردم آن دیار را تا پیش از ورود ترکان به آن نقاط، و اشاعه زبان و فرهنگ مسلط ترکی، آذری نامیده است و تاتی کنونی را ادامه و بازمانده آذری معرفی نموده است، و این بیانگر آن است که اکثر آذری های ترک کنونی، تاتهای ترک شده هستند.

پژوهشگران روسی معتقدند که کلمه تات در آغاز بر نژاد و قبیله ای اطلاق نمی شده ، بلکه قبایل صحرانشین که اکثرا ترک بودند مردم زراعت پیشه و تخته قاپوی ایرانی زبان را که در زیر انقیاد خویش در آورده بودند تات می خواندند.

تاتی در واقع همان زبان پهلوی است که در اثر گذر زمان و حوادث روزگار تاتی نامیده شد . لکن تاتی امروز هم مثل اکثر زبانهای دیگر معجونی است که از زبانهای گوناگون تشکیل شده است

ابن نوشتار برگرفته شده از پایگاه تات پژوهی

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «تات ها چه کسانی بودند؟»، پارسیان دژ، ۱۳۹۴.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1644/pdf/تات-ها-چه-کسانی-بودند.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵